

پاسخی زیرکانه به شبهه‌ای مقدّر در تاریخ بیهقی

صبا جلیلی جشن‌آبادی¹

چکیده

بیهقی در آغاز مجلّد ششم از تاریخ خود، در مبحثی تقریباً مفصّل، امیران غزنوی را از پادشاهان بلندآوازه‌ای چون اسکندر یونانی و اردشیر بابکان برتر می‌داند و به نقد این دو پادشاه بزرگ می‌پردازد او زیرکانه برای پسند افکار عمومی و مخاطبان خود، شبهه‌ای مقدّر مطرح می‌کند مبنی بر اینکه اصل دولت غزنویان از کودکی حامل ذکر به بار آمده است. بیهقی با استناد به آیات قرآن، این شبهه و طعن مقدّر را پاسخ می‌دهد و در خطبه‌ای متّصل به این مبحث، پادشاهان را با پیامبران مقایسه می‌کند تا گام به گام مشروعیت و مقبولیت خاندان غزنوی را به مخاطبان خود بنمایاند. در حکایت دلسوزی سبکتگین بر آهو و بچه‌اش، بلافاصله داستان ترحم موسی (ع) با برهّ گوسفند را ذکر می‌کند. این تشابه و دفاع از سبکتگین، در مجمع‌الأنساب شبانکاره‌ای نیز آمده است که سبکتگین، ضمن اندرز به فرزندش محمود، حکایتی از کودکی خود ذکر می‌کند که مانند حکایت بت‌شکستن حضرت ابراهیم است. در این پژوهش، نویسنده با روش تحلیلی و نمونه‌ای، بیان می‌کند که بیهقی چگونه می‌کوشد تا کهتری غزنویان را در باور مخاطبان کمرنگ کند و این خاندان را سایه پیامبران در زمین معرفی کند.

کلیدواژه

تاریخ بیهقی، کهتری، ابوالفضل بیهقی، سبکتگین.

¹ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور- ایران